



عبدالاحمد فیض

بہت حقوقی توسل بہ زور در مناسبات بین المللی

استفاده از زور و یا توسل بقوه بر مبنای حکم مندرج در پیراگراف (۴) ماده دوم منشور سازمان ملل متحد بصورت قطع ممنوع گردیده و هیچ کشوری به هیچ بهانه حق ندارد از ابزار و روشهای قهرآمیز علیه دولتها و حاکمیت های مستقل دیگر استفاده نماید، هکذا در صورت بروز منازعات، فقره (۱) ماده اول منشور طرفین منازعه را ملزم بر رعایت پرنسیپ حل و فصل صلح آمیز، که از اصول بنیادین حقوق بین المللی است دانسته و دولتها مکلف میگردد تا اصل حل مسالمت آمیز را در برخورد و روابط خود با دیگر شخصیت های حقوق بین الملل رعایت نماید. لذا این فقط دومی مورد استثنائی خواهد بود که در آن کاربرد زور تجویز میگردد.

الف- حق دفاع مشروع

ب- تجویز شورای امنیت

الف- یک دولت زمانی از حق توسل بقوه یا استفاده از نیروهای مسلح در روابط خارجی خود برخوردار میشود که شروط مندرج در ماده (۵۱) منشور محقق گردد و این شرایط عبارتند از:

اول- یک دولت، مورد حمله و تهاجم تمام عیار مسلحانه یک و یا ائتلاف از دولتها قرار گیرد، که بدون دفاع قاطعانه مسلحانه، دفع تهاجم به شیوه دیگر مقذور نباشد.

دوم- دفاع همزمان با حمله دشمن باشد و یا دفاع به زمان و مکان محدود میشود. هرگاه یک کشوری یک تاریخ معین مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته و سپس حملات متوقف شده باشد و دولت متضرر به اقدام تدافعی مبادرت ورزد، دفاع مشروع تعریف نگردیده بلکه درین حالت وضعیت حقوقی خاص پدید آمده و اقدامات دولت نه دفاع بلکه اقدام تلافی جویانه تعریف میگردد که در حقوق بین المللی ممنوع پنداشته میشود.

سوم- دفاع متناسب به تجاوز باشد.

چهارم- هیچ دولت در صورت حمله دفاعی حق سرنگونی دولت متجاوز را ندارد.

پنجم- دولت که در مرحله دفاع قانونی از حق حاکمیت و امنیت ملی خود دارد، حق حمایت از معارضان مسلح داخلی کشور متجاوز را ندارد.

ب- تجویز شورای امنیت: بر بنیاد هنجارهای جهانشمول و بر وفق احکام مندرج در مواد (۴۱ و ۴۲) منشور، توسل بقوه بعد از حق دفاع مشروع بدون مجوز حقوقی شورای امنیت مشروعیت نداشته تجاوز تعریف می‌گردد. شورای امنیت از منظر حقوقی درست در چنان فرصت معین از آن میتواند استفاده نماید که صلح و امنیت جمعی به خطر جدی مواجه بوده و یا نقض فاجعه بار حقوق بشری در یک کشور صورت گرفته که دفع خطر بدون استعمال زور ممکن نباشد.

فلذا باتوجه به اصول و معیارهای رایج جهانی، حملات موشکی اخیر ایالات متحده بر پایگاه هوایی سوریه که به تاریخ هفتم اپریل صورت گرفت و (۵۹) پروند موشک نوع کرواز عرشه دوناوجنگی نیروهای بحری آن کشور به صوب نیروهای هوای سوریه مستقر در ادلب به بهانه حمله شیمیایی دولت اسد بالای اتباع غیر نظامی شلیک گردید به کدام یک از اصول پذیرفته شده بین المللی فوق مطابقت دارد؟

بدیهی است که رژیم حاکم در سوریه از سال (۲۰۱۴) تاکنون در دفاع مشروع از حق حاکمیت و امنیت ملی آن بمثابه یک دولت عضو ملل متحد در نبرد علیه گروه‌های تروریستی قرار دارد که بر مبنای قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت شبگه مخوف دهشت افکن خوانده شده است و از سوی دیگر هیچگونه خطر آبی و بالقوه منافع ایالات متحده را از ناحیه دولت سوریه یعنی کشوری که در خط مقدم نبرد در برابر داعش و سایر گروه‌های تروریستی قرار دارد متصور نبوده است، بنابراین حق دفاع مشروع به بهانه خطر در برابر امنیت ملی، منافع و جایگاه امریکا درین سناریو بصورت قطع منتفی دانسته میشود. هکذا این تصمیم بدون مجوز حقوقی شورای امنیت ملل متحد (قطعنامه) که حق کاربرد زور را بدلیل حقوقی فوق (خطر و یا تهدید امنیت بین المللی است) تجویز مینماید، به اجراء گذاشته شده است.

هرگاه اقدام ایالات متحده بر پایه نقض حقوق بشری در سوریه مورد واکاوی قرار گیرد، دلایل مؤجه مبنی بر نقض حقوق بشری بوسیله دولت سوریه که زمینه را برای یک اقدام جهانی در قالب دخالت بشردوستانه فراهم نماید وجود ندارد، زیرا مداخله بشردوستانه بمنظور جلوگیری از تضعیف گسترده حقوق انسانی زمانی و جاهت مییابد که گستره ای نقض حقوق انسانی چنان ابعاد وسیع کسب نموده باشد که وجدان بشری جریحدار گردیده و شورای امنیت از برای یک ارزیابی مستدل، توسل بقوه را به هدف درهم کوبی عاملان نقض حقوق بشری (دولت ناقض حقوق بشری) تجویز و استعمال زور بمثابه یگانه راه حل مورد تصویب قرار گیرد. لازم بیاد آوری است که کاربرد قوه با تجویز شورای امنیت در قالب دخالت بشردوستانه با در نظر داشت تجارب حاصله تاریخی از چنین اقدام بین المللی نیز مشروعیت حقوقی چندانی نداشته زیرا تجاروب تاریخی مداخلات انساندوستانه در روابط بین المللی عمدتاً منجر به گسترش ابعاد بحران و تجاوز گردیده از نبروست که طیف وسیع از آگاهان روابط بین المللی نسبت به اصل دخالت بشری با شک و تردید نگرینسته و مشروعیت این اصل را مورد اعتراض قرار میدهند.

هکذا موقف عاطفی مقامات کاخ سفید نسبت به نتایج مرگبار استعمال جنگ افزارهای کیمیاوی که دولت سوریه را مقصر اصلی بدون تحقیق بیطرفانه بین المللی میداند نیز بازی در قالب جملات نا متعارف خوانده شده که جزء ریختن اشک تمساح مفهوم دیگری را نمیتواند در اذهان عامه تداعی نماید زیرا دولت جدید ایالات متحده در نخستین روزهای کاری خویش فرمانی منع صدور ویزه سفر به آن کشور را در برابر اتباع هفت کشور اسلامی صادر نمود که سوریه یکی ازین کشورها بوده یعنی سرزمینکه، نبردهای گسترده گروه های تروریستی با رژیم سوری، آن کشور را به جهنم مبدل نموده است و اتباع ملکی سوریه بر مبنای اصول جهانی و معیارهای بشردوستانه بمثابه قربانیان نبرد تروریستی واجد حمایت‌های جهانی پنداشته میشود. فلذا موضعگیری اخیر ایالات متحده در قبال نقض حقوق بشری اتباع سوری فقط به سیاست یک بام و دو هوا میماند و بس.

در فرجام میتوان اذعان داشت که توسل به ابزار قهریه در مناسبات بین الملل بدون حق دفاع مشروع و یا تجویز شورای امنیت خود سری، نقض حاکمیت غیر و عبور از مرزهای اصول پذیرفته شده جهانی بوده و چنان مینماید که در نظام موجود بین المللی هیچ فرد در هیچ گوشه ای از سیاره ما در پناه قوانین بین المللی خود را مصون نداند.